

• دریافت ۹۰/۱۱/۱۶

• تأیید ۹۱/۱۲/۶

زبان و ادبیات فارسی از نگاه پژوهشگران عرب معاصر

حجت رسولی*

بهبروز قربان زاده**

چکیده

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان در تاریخ تمدن اسلامی و مهم ترین زبان تأثیر گذار در زبان عربی، همواره مورد توجه علما و ادبای عرب زبان به طور خاص و جامعه عرب به طور عام بوده است. آشنایی مجدد جهان عرب با زبان و ادب فارسی در دوره معاصر به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برمی گردد. پژوهشگران و اهل ادب و نویسندگان عرب در قرن اخیر، تلاش‌هایی برای شناخت و معرفی زبان و ادب عربی به جامعه عرب به انجام رسانده‌اند و در آثار خویش هر یک به نحوی دیدگاه خود را درباره اهمیت و ویژگی‌ها و جایگاه زبان و ادب عربی اظهار داشته‌اند. اینکه نویسندگان و ادبای عرب چه نگرشی درباره زبان و ادبیات فارسی دارند، مسئله‌ای است قابل تأمل که این نوشتار بدان پرداخته و کوشیده است با روش تاریخی و توصیفی و با تکیه بر تصریحات نویسندگان عرب در دهه‌های اخیر، آن را بررسی کند. از بررسی انجام شده چنین بر می‌آید که اگر چه توجه به زبان و ادب فارسی در دوره معاصر در کشورهای عربی دیر هنگام آغاز شد، ولی اندیشمندان عرب به خوبی به اهمیت و ضرورت یادگیری زبان فارسی پی بردند و بر این باورند که فراگیری زبان فارسی برای تحقیقات مربوط به زبان عربی و شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی ضروری است. به علاوه، زبان و ادب فارسی در بر دارنده محتوایی غنی و زیبایی‌های ادبی خاص خود است که آن را به زبان و ادبیات جهانی نزدیک می‌سازد.

کلید واژه‌ها:

زبان فارسی، زبان عربی، ادبیات، تمدن اسلامی، جهان عرب.

httrasouli@sbu.ac.ir

*دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شهید بهشتی.
**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بیروت.

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان و ادبیات تمدن ایرانی و دومین زبان جهان اسلام (ربیع طرطور، ۱۹۸۵: ۹-۱۲) در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی آثار گرانبهائی را بر جای گذاشته و شاعران بزرگی چون حافظ، مولانا، خیام، فردوسی، سعدی و... بدین زبان شعر سروده‌اند. از این رو همواره مورد توجه جهانیان بوده است و همچنان این نگرش ادیبانه جهانیان ادامه دارد. بدیهی است که استقبال جهانیان و از جمله جهان عرب از زبان و ادب فارسی به ژرفای معانی و مضامین زبان و ادبیات فارسی و زیبایی‌های آن بر می‌گردد.

در دوره معاصر محققان غربی در پی بردن به اهمیت زبان فارسی و ضرورت پژوهش در باره آن پیشگام بودند. اما پژوهشگران عرب از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ضرورت تعلیم و ترویج زبان فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و نزدیکترین زبان دنیا که با زبان عربی پیوند و اشتراکات زیادی دارد پی بردند.

اگر چه عرب‌ها با تأخیر به این عرصه گام نهادند، ولی با وجود این مدت کوتاه، اقدامات شایسته‌ای را در زمینه تعلیم و ترویج زبان فارسی انجام دادند و اولین گام در راه تحقق این هدف، اعزام دانشجو به ایران برای یادگیری زبان فارسی و متعاقب آن تأسیس گروه‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورشان بود.

به هر روی در عصر حاضر، ادبای عرب به اهمیت زبان فارسی به خوبی واقف‌اند و بزرگان این زبان هر یک به نوعی محاسن و ویژگی‌های زبان فارسی را ستوده‌اند و حتی برخی چون عبد الوهاب عزام، یادگیری زبان عربی را منوط به یادگیری زبان فارسی می‌دانند. در واقع، انگیزه اصلی عزام از تأسیس گروه زبان فارسی در دانشگاه قاهره، این بود که دانشجویان عرب بدون آموختن زبان فارسی نمی‌توانستند علل رشد و تکامل ادبیات عرب را در یابند و دانستن زبان فارسی یکی از ابزارهای ضروری برای آنها بود. (امیری، کیومرث، ۲۰۴: ۱۳۸۰)

میزان توجه محققان و اندیشمندان عرب در چند دهه گذشته به زبان فارسی و نوع نگاه آنان به زبان و ادب فارسی را می‌توان از تصریحات آنان در این باره استنباط نمود. اظهارات ادبای عرب در باره اهمیت و ویژگی‌های زبان و ادب فارسی، نشان از جایگاه و اهمیت این زبان در میان عرب‌زبانان دارد. اما ادبای عرب در دوره معاصر چه اظهاراتی درباره زبان و ادب فارسی داشته‌اند و چگونه آن را توصیف نموده‌اند؟ این مسئله‌ای است که نوشته حاضر می‌کوشد با استفاده از روش تحقیق تاریخی و توصیفی و با مراجعه به کتاب‌های زبان فارسی تألیف شده توسط

نویسندگان عرب و با استناد به دیدگاه‌های پژوهشگران و نویسندگان عرب آن را بررسی کند. اهمیت بررسی این موضوع بر اهل ادب پوشیده نیست. تأثیر و تأثر عمیق میان زبان فارسی و عربی از دیرباز، بخصوص از عصر اسلامی تا کنون پیوند مستحکم و ناگسستنی میان دو زبان فارسی و عربی، شاهد صادق این ضرورت است.

محققان معاصر عرب و زبان و ادب فارسی

تحقیقات مربوط به زبان و ادب فارسی از چند قرن پیش در کشورهای غربی آغاز شد. محققان اروپایی و شرق شناسان، گام‌های مهمی در فراگیری زبان فارسی و انجام تحقیقاتی در زمینه ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی برداشتند و آثار ارزشمندی در این باره از خود بر جای گذاشتند. تحقیقات و آثار نیکلسون و افرادی مانند او، نمونه بارز این توجّه غریبان است. در کشورهای عربی، آشنایی با زبان و ادب فارسی و آموزش و ترویج آن در عصر جدید، از قرن بیستم و دیر تر از غریبان آغاز شد. در واقع، در این دوره برخی از ادبای صاحب نام عرب به اهمیت و ضرورت یادگیری زبان فارسی از یک سو و کم اطلاعی خود از زبان و ادبیات فارسی از سوی دیگر پی بردند. آنان حتی از اینکه دیر هنگام به اهمیت آن در زبان عربی پی بردند، ابراز تأسف نمودند. چنان که طه حسین، ادیب و نویسنده مشهور مصری می‌گوید:

«گاهی ما از ادبیات ایران بسیار محدود است و نمی‌توانیم آن را به زبان اهل آن مطالعه کنیم و متأسفانه باید آن را از تحقیقات آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها جستجو کنیم که در شناخت این ادب و استفاده از آن از ما سبقت گرفتند.» (الشورابی، ابراهیم، ۲۰۰۵: مقدمه)

کم اطلاعی عرب زبانان از ادبیات فارسی در حالی بود که ارتباط تاریخی و پیوند اجتماعی میان عرب و ایران و تناسب میان دو زبان فارسی و عربی به مراتب فراتر از ارتباط با زبان‌های اروپایی بود.

صلاح الصاوی، نویسنده و مترجم عرب، با اشاره به مشترکات میان عرب و ایران از اینکه عرب‌ها به جایگاه زبان فارسی پی نبرده‌اند و حتی شاعران مشهوری چون حافظ را چنانکه باید نشناخته‌اند، ابراز تأسف می‌کند. وی می‌گوید:

«اما اطلاعات عرب زبانان از حافظ و غزلیات وی به رغم نزدیکی سرزمین و یکی بودن دین و زبان و فرهنگ و به رغم اینکه حافظ زبان عربی را به خوبی می‌دانست و در این زمینه از سایر شاعران ایرانی که به زبان عربی شعر گفتند برتر بود، بسیار اندک و نزدیک به صفر است و هرگز متناسب با جایگاه

ادبی و علمی حافظ در جهان نیست.» (الصاوی، صلاح، ۱۳۶۴: ۲۱)

پی بردن به مشکلات، می‌تواند موجب رفع آن نیز باشد. از این رو، توجه اندیشمندان عرب به کوتاهی خود در قبال زبان و ادبیات فارسی، رویکردی میمون داشتند و خود سر آغاز تلاش‌های تازه‌ای در جبران کم کاری گذشته بود. چنانکه بدیع جمعه، تأخیر ادبای عرب در مطالعه و یادگیری و ترویج زبان و ادب فارسی را که از نظر وی کمتر از اندیشه‌های اروپایی نیست، یک نوع کوتاهی دانست که باید جبران شود. او در این باره گفت:

«اگرچه ادبای عرب دیرتر از غربیان به فراگیری زبان و ادب فارسی همّت گماشتند، ولی در حال حاضر فرصت برای جبران این کوتاهی وجود دارد. چرا که پیوند محکم میان دو زبان فارسی و عربی، بسیار بیشتر از پیوند میان زبان عربی با هر زبان دیگر است.» (محمد جمعه، بدیع، ۱۹۸۲: ۷)

احمد شوقی رضوان ضرورت یادگیری زبان فارسی و شناخت و ادامه روابط با ایران و ایرانیان را به علت همسایگی عرب با ایران و مشترکات دینی و عقیدتی، حتمی می‌داند و می‌افزاید:

«هرچه بیشتر مردم ایران را بشناسیم، شناخت مان از خودمان بیشتر می‌شود و هر چه با آیین و افکار مردم ایران آشنا شویم، بر قدرت رشد و ترقی ما افزوده خواهد شد. از نتایج این هوشیاری دیر هنگام، علاوه بر رشد و ترقی فکری، سیاسی و اجتماعی، تأسیس گروه‌های مخصوص زبان فارسی در برخی از دانشگاه‌های کشورهای عربی بوده است.» (شوقی رضوان، ۱۹۹۰: ۱۱)

بنابراین، نتیجه رویکرد جدید این شد که بسیاری از تحصیلکردگان و دانشجویان عرب به یادگیری زبان فارسی روی آوردند و در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای عربی، آموزش زبان فارسی در برنامه درسی قرار گرفت و سرانجام آثار فراوانی چه به صورت تألیف و چه به صورت ترجمه در جهان عرب منتشر شد. در این آثار معمولاً صاحبان اثر نظرانی را درباره اهمیت و ضرورت فراگیری زبان فارسی و ارزش و جایگاه آن ابراز داشته‌اند که بر اساس این تصریحات ادامه بحث را پی می‌گیریم.

زبان فارسی ضرورتی برای یادگیری زبان و ادب عربی

پژوهشگران عرب با پی بردن به اهمیت زبان فارسی به عنوان مهم ترین زبان تأثیرگذار در زبان عربی که نقش اساسی در رشد و شکوفایی زبان عربی داشته، یادگیری زبان فارسی را برای هر

پژوهشگر عرب زبان ضرورتی انکار ناپذیر می‌دانند و بر یادگیری آن تأکید می‌کنند.

برخی از نویسندگان و ادبای عرب، به ضرورت یادگیری زبان فارسی به عنوان مکمل زبان عربی یاد می‌کنند؛ از جمله، مرحوم عبد الوهاب عزام، نویسنده و فردوسی پژوه مصری، معتقد بود که دانشجویانش در رشته زبان عربی بدون آموختن زبان فارسی نمی‌توانند زمینه‌ها و مراحل تحوّل و تکامل ادبیات عرب را دریابند و دانستن زبان فارسی را یکی از ابزارهای ضروری برای آنان برمی‌شمرد. (امیری کیومرث، ۱۳۸۰: ۲۰۴)

فؤاد عبد المعطی الصیّاد، استاد دانشگاه بیروت و دانشگاه عین شمس مصر نیز معتقد است که دانشجویان زبان عربی باید به صورت جدّی یادگیری زبان فارسی را پی بگیرند و در ادبیات فارسی تعمّق و ژرف اندیشی نمایند. چراکه این امر به آنها در فهم زبان و ادبیات عربی بسیار کمک می‌کند.

همچنین، عبدالمعطی بر تأثیر و تأثر میان زبان فارسی و زبان عربی تأکید می‌کند و معتقد است که پژوهشگران این دو زبان به هیچ وجه از یادگیری زبان دیگر بی‌نیاز نیستند. (۱۹۸۶: ۱۹)

خلیل عبد المجید محمّد، اهمیّت توجّه به زبان فارسی را در آمیختگی این زبان با زبان عربی و یکی از عوامل مهمّ شکوفایی نثر فنّی زبان و ادبیات عربی می‌داند و آن را برای پژوهشگران زبان عربی بخصوص پژوهشگران عصر عبّاسی ضروری می‌داند و می‌گوید:

«لوح ارتباط میان اعراب و ایرانیان، حضور ایرانیان در عراق و برعهده گرفتن مناصب وزارت در عهد عبّاسی بوده است. بنابراین، اگر پژوهشگر در زبان و ادب عربی در عصر عبّاسی، احاطه کامل به زبان و ادبیات فارسی و خصوصیات و ویژگی‌های آن نداشته باشد، پژوهش وی کامل نخواهد بود. زبان فارسی حتّی بسیاری از اسلوب‌های فنّی، تشبیهات، استعارات و کنایه‌های زیبا را وارد زبان عربی کرده است و با در آمیختن آن با زبان عربی باعث شکوفایی نثر فنّی زبان و ادبیات عربی شده است.» (۱۹۹۵: ۴)

خلیل عبد المجید محمّد، استادیار دانشگاه الازهر مصر، همچنین یادگیری زبان فارسی و دانستن ویژگی‌های آن را برای محققان نسخه‌های خطّی عربی نیز به خاطر آگاهی خطاطان از زبان فارسی و استفاده از خطّ فارسی در نوشتن نسخه‌های خطّی عربی لازم می‌داند. عبد المجید در ادامه، اهمیّت یادگیری زبان فارسی را برای موفقیت مؤلّفان فرهنگ لغت‌های عربی و متخصصان ادبیات تطبیقی در کار خود حتمی می‌داند و می‌افزاید:

«مؤلّفان فرهنگ لغت‌های عربی نیز بدون آگاهی از زبان فارسی، قادر نخواهند بود کار نگارش فرهنگ لغت عربی را با موفقیت به اتمام رسانند. چراکه بسیاری از کلمات عربی از اصل فارسی است.

(مثل: خندق، مهرجان، نیروز، استبرق، سندس و...) متخصصان ادبیات تطبیقی نیز بدون آگاهی از زبان فارسی قادر به وارد شدن به دریای متالطم ادبیات تطبیقی نخواهند بود». (بی تا: ۱۰)

وی در پایان با تأکید بر سرشار بودن زبان فارسی از حکمت، موعظه، داستان سرایی، قصه‌ها و قهرمانی‌ها، زبان فارسی را مرجع مؤلفان عرب زبان دانسته که در نوشته‌های خود به آن مراجعه می‌کردند. چرا که ایرانی‌ها با پذیرش اسلام به عنوان بخشی از تمدن اسلامی، در تمامی زمینه‌های اسلامی درخشیدند. (پیشین: ۱۱)

مرحوم عبدالله خالدی، استاد زبان فارسی دانشگاه لبنان، یادگیری زبان و ادبیات فارسی توسط پژوهشگران عرب را به خاطر تأثیر و تأثر میان این زبان و زبان عربی ضروری می‌داند و می‌گوید:

«بعد از ورود اسلام به ایران و ایجاد روابط قوی میان مردم عرب و ایران، دو زبان عربی و فارسی بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل داشتند و همچنان دارند. بنابراین، یادگیری زبان فارسی برای پژوهشگران عرب امری ضروری شده است تا بسیاری از معانی لغات و مصطلحات و ترکیب‌ها و معانی متون ادبی را بفهمند و محیط سرشار از علوم و معارف مختلف و آداب و فنون و تمدن بشری را کشف نمایند و بر میراث فرهنگی و فکری عظیمی اطلاع یابند. زبان فارسی که به خط عربی است، شامل کلمات و مصطلحاتی در نحو، عروض و بلاغت است و امروزه نیز از مهم‌ترین زبان‌های شرقی است که سرشار از ارزش‌ها و تمدن بشری است». (الخالدی، عبدا...، ۲۰۰۳: ۷)

وی همچنین فراگیری زبان فارسی را برای دانشجویان تمامی گروه‌های علوم انسانی در کشورهای عربی به خاطر ارتباط عمیق زبان فارسی با زبان عربی و همچنین به خاطر اهمیت زبان فارسی در زمینه تمدن اسلامی و تاریخ مشترک اسلامی ضروری و مفید می‌داند و می‌افزاید:

«هر دو زبان عربی و فارسی در تشکیل و شکوفایی تمدن اسلامی که دانش و معارف مشرق زمین به آن ختم می‌شود، سهمیم بودند. همچنین بسیاری از متون دینی، ادبی، فلسفی و تاریخی که به فرهنگ مشترک اسلامی می‌پردازد، به یکی از دو زبان عربی و فارسی نوشته شده است». (پیشین: ۸)

همچنین خالدی و مجذوب یادگیری زبان فارسی را به خاطر نقش اساسی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان برای هر مسلمانی، جهت تقویت پیوند فرهنگی و تمدن میان مسلمانان ضروری می‌دانند و تأکید می‌کنند:

«... بنابراین، فراگیری هر دو زبان برای درک بسیاری از کلمات و اصطلاحات ضروری است و کسی نمی‌تواند ادعا کند که بدون آگاهی از زبان فارسی از تمامی رموز و اسرار زبان عربی آگاه است». (۲۰۰۱: ۱۰)

جورج خلیل مارون، استاد زبان فارسی در دانشگاه لبنان نیز در کتاب خود با عنوان "الفارسیه و أشهر أعلام الأدب" در خصوص ضرورت یادگیری زبان فارسی چنین می‌گوید:

« به خاطر درک بسیاری از معانی، کلمات، ترکیبات و همچنین درک محتوای متون ادبی و کشف اقیانوس سرشار از دانش‌های مختلف و همچنین ادبیات، فنون و تمدن بشری، یادگیری زبان فارسی برای پژوهشگران عرب امری ضروری است. » (۲۰۱۰: ۷)

یادگیری زبان فارسی ضرورتی برای تحقیق و مطالعه در فرهنگ و تمدن اسلامی

نقش ایرانیان در تحکیم پایه‌های تمدن اسلامی بر کسی پوشیده نیست. عموم اندیشمندان صاحب نظران در این باره اتفاق نظر دارند که بسیاری از علوم و معارف در تمدن اسلامی، توسط ایرانیان تدوین شد و سهم ایرانیان در تمدن بشری و تمدن اسلامی قابل توجه است. بدیهی است بسیاری از آثار علمی ایرانیان به زبان فارسی به نگارش در آمده است. بعلاوه در آثاری که از سوی ایرانیان یا عرب زبانان به زبان عربی بر جای مانده نیز تأثیر زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی کاملاً آشکار است. بنابراین، بدون آشنایی با زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی، شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی نیز دشوار و گاهی غیر ممکن است. نویسندگان عرب در این باره تأکیدی دارند که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

احمد شوقی عبد الجواد رضوان، در کتاب خود (مدخل الی اللغة الفارسیة) زبان فارسی را از نظر

تاریخی، یکی از عوامل سازنده تمدن اسلامی معرفی می‌کند و دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند:

«زبان فارسی برای زبان عربی، به شکل عام و برای تمدن عربی به شکل خاص، دارای اهمیت ویژه‌ای است. از نظر تاریخی، بدون شک زبان فارسی از عوامل اصلی سازنده تمدن اسلامی بوده و خواهد بود. به همین خاطر در ابتدای کتاب خود (مدخل الی اللغة الفارسیة) فصلی را درخصوص پیوند میان عرب و ایرانی‌ها بعد از ظهور اسلام قرار دادم. بعلاوه، تعیین زبان فارسی به عنوان یکی از مواد درسی گروه‌های زبان عربی و تاریخ در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای عربی بی حکمت و بی علت نبوده است.» (۱۹۹۰: ۱۰)

السباعی محمد السباعی نیز ضرورت یادگیری زبان فارسی برای پژوهشگران ادب عربی و تاریخ عربی و تاریخ اسلامی و فلسفه و تصوف اسلامی را سهیم بودن ایرانی‌ها در میراث اسلامی می‌داند و می‌افزاید:

«پژوهش و مطالعه زبان فارسی علاوه بر اینکه در برگیرنده بسیاری از افکار قدیمی است که ایرانی‌ها آن را در پژوهش‌های اسلامی خود وارد کردند و شامل بسیاری از عناصر تمدن مادی و افکار ایرانی هاست که وارد زبان عربی عصر عباسی شده و بسیاری از کتاب‌های تاریخی که به زبان فارسی نوشته شده است، برای آگاهی از سهم ادبی ایرانیان در میراث اسلامی مهم است. به همین خاطر برای پژوهشگر ادب عربی و تاریخ عربی و تاریخ اسلامی و فلسفه و تصوف اسلامی لازم است که این زبان را به خوبی بشناسد». (۱۹۷۷: ۷)

خلیل عبدالمجید محمد، استاد یار دانشگاه الازهر مصر، در کتاب مشهور خود به نام "اللغة الفارسیة" (قواعد و نصوص) اهمیت یادگیری زبان فارسی را برای پژوهشگران تاریخ اسلامی

بخصوص در عصر مغول و صفوی ضروری می‌داند و می‌گوید:

«بی تردید زبان فارسی شامل تاریخ کامل دوره مغول و صفوی از حرف الف تا پای آن است. اروپایی‌ها تألیفات تاریخی فارسی را نه تنها به عنوان مرجع، بلکه به عنوان تنها مرجع برای آن دوره مهم تاریخ اسلامی به حساب آورده‌اند و پژوهشگران تاریخ اسلامی به شکل عام و پژوهشگران تاریخ مغول و صفوی به صورت خاص، بدون استفاده از منابع و مصادر فارسی هرگز قادر به تکمیل پژوهش خود نخواهند بود و این خود اهمیت زبان فارسی را می‌رساند». (بی تا: ۶)

وی همچنین یادگیری زبان فارسی را برای پژوهشگران فلسفه اسلامی، برای آگاهی از تألیفات فلاسفه ایرانی، بخصوص در عصر صفوی نیز بسیار ضروری می‌داند. عبدالمجید، یادگیری زبان فارسی را حتی برای پی بردن به فنون معماری اصیل ایرانی ضروری می‌داند و می‌گوید:

«در سال‌های اخیر، اهمیت بسیار زیاد زبان فارسی در پژوهش‌های اسلامی آشکار شده است و شاهدیم که نویسندگان و پژوهشگران در آثار اسلامی، به سمت تألیفات ایرانی در زمینه‌های مختلف معماری، نگارگری و مزیّن کاری و... روی آورده‌اند و شروع به مطالعه زبان فارسی نموده‌اند تا از خصایص آن فنون که قواعد و اساس آن تنها به دست ایرانی‌ها گذاشته شده آگاه شوند». (پیشین: ۸)

همچنین مرحوم عبدالله خالدی وطلال مجنوب، به خاطر شدت ارتباط مستحکم میان دو زبان و ادب فارسی و عربی، یادگیری زبان فارسی را برای هر تحصیلکرده یا دانشجو یا انسان عادی ضروری می‌دانند و می‌افزایند:

«هدف هر محقق از یادگیری زبان فارسی این است که متون شعری و نثری فارسی را بفهمد و کشور

ایران اسلامی که سرشار از تمدن و فرهنگ انسانی است را دریابد واز میراث عمیق فرهنگی مردم مسلمان ایران آگاهی یابد». (۲۰۰۱: ۹)

فؤاد عبد المعطی الصیاد بر شاهکارهای زبان فارسی تأکید می‌کند و می‌گوید: «زبان فارسی دارای شاهکارهای بسیاری بخصوص در زمینه فقه، تصوف، فلسفه، تاریخ و همچنین انواع متعددی از علوم انسانی است که جزء لاینفک فرهنگ اسلامی می‌باشد. در نتیجه، ترجمه این میراث جاودان به زبان عربی و یادگیری آن ضروری است تا کتابخانه‌های کشورهای عربی مزین به این آثار جاودان شده و به آن افتخار کند. چرا که در حال حاضر به زبان فارسی به عنوان جزء ضروری و مکمل فرهنگ عربی نگریسته می‌شود. (۱۹۸۶: ۱۹) محمد السعید جمال الدین و احمد حمدی السعید الخولی و محمد السعید عبد المؤمن، در کتاب "دراسات و مختارات فارسیه" در خصوص اهمیت زبان فارسی و تدریس آن در مصر می‌گویند: «فارسی در مصر، فقط به خاطر اینکه یک زبان زنده در جهان معاصر ماست که دو ملت مسلمان و برادر ایرانی و افغانی با آن حرف می‌زنند و ما را به محکم ترین روابط فرهنگی و تمدن از قدیمی ترین زمان مرتبط می‌سازند نیست، بلکه به خاطر این است که زبان فارسی، بیانگر صورت خاصی از فرهنگ مختلف اسلامی است» (۱۹۷۵: مقدمه). همچنین، در خصوص اهمیت زبان فارسی می‌گویند: «حقیقت این است که زبان فارسی به شکل خاصی به بررسی اندیشه اسلامی می‌پردازد و چگونگی وارد شدن به این اندیشه‌ها و روش پرداختن به آن نسبت به دیگر زبان‌های اسلامی متفاوت است و هر خواننده‌ای می‌تواند با ذوق خاص خود آن را احساس نماید. (همان جا). این اساتید مصری با تأکید بر اینکه ایرانیان کتاب‌های بسیار مهمی در زمینه تاریخ اسلامی تألیف کرده اند، می‌افزایند: «این کتاب‌ها به حوادث قسمت شرق جهان اسلامی پرداخته و همچنین در کار آنها روش جدیدی را که با روش تاریخ نویسان عرب در نوشتن تاریخ متفاوت است شاهد هستیم» (همان جا).

ابراهیم الدسوقی شتا، استاد دانشگاه قاهره مصر نیز معتقد است که زبان فارسی در بیان و توصیف تمدن و اندیشه اسلامی با زبان عربی شریک است. بنابراین، پژوهشگران عرب در زمینه تاریخ فرهنگ عربی و اسلامی، نیازمند شناخت زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی هستند و دانشگاه‌های کشورهای عربی نیز باید راه را برای دست یافتن پژوهشگران خود به این مهم هموار سازند. (۱۹۷۵: ۱۱)

مطالب فوق نشان می‌دهد که محققان و ادبای معاصر عرب در دهه‌های اخیر، به درستی به ضرورت یادگیری زبان فارسی از سوی عرب‌زبانان و اهمیت آشنایی آنان با فرهنگ و ادب فارسی پی برده‌اند و با این دیدگاه در زبان فارسی، شروع به تحقیق، ترجمه و تألیف نمودند.

غنای علمی و معنوی زبان و ادب فارسی

شیرینی زبان فارسی، گویا قولی است که جملگی برآند و عرب‌ها نیز در احساسی که به هنگام مطالعه متون ادبی فارسی به ایرانیان دست می‌دهد، شریک‌اند. در این خصوص کافی است به سخن عبدالوهاب عزام، آنجا که از شیرینی و حلاوت زبان فارسی می‌گوید اشاره کنیم: «وقتی که یک عرب زبان نزد من از زبان فارسی سخن می‌گوید، احساس زندگی و زنده بودن به من دست می‌دهد» (امیری، کیومرث، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

عمق معانی و مضامین ادب فارسی و غنای علمی آثار ادبی بر جای مانده از شاعران ایرانی مسئله دیگری است که بسیاری از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده‌اند. معانی بلند و مفاهیم علمی و عرفانی عمیقی که در آثار شاعران بزرگ ایران چون: حافظ و مولانا و فردوسی و عطار و سعدی وجود دارد، ادبای عرب را مجذوب خویش ساخته و از صمیم دل زبان به ستایش آن گشوده‌اند.

صلاح الصاوی، دیوان حافظ را تفسیر عرفانی قرآن معرفی می‌کند و ابیات دیوان را فراتر از حد تعبیر می‌داند و ادامه می‌دهد: «معانی اشعار حافظ نامحدود است و درحقیقت تمامی اشعار حافظ غزل معرفت الهی است» (۱۳۶۴: ۲۱).

محمد السعید جمال الدین، احمد حمدی السعید الخولی و محمد السعید عبد المؤمن نیز با اشاره به محتوای زبان فارسی معتقدند: پدیده‌های ادبی که در ادبیات مختلف جهان شایع است، در ادب فارسی یافت می‌شود. با این وجود، پدیده‌های ادبی دیگری وجود دارند که مورد توجه خاص ادبای ایرانی قرار گرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به تصوف و ادب مردمی و ملی اشاره نمود. خلاصه کلام اینکه فرهنگ فارسی به صورت کلی، جزئی از فرهنگ اسلامی است که دارای ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد است. (۱۹۷۵: مقدمه)

مراد مولوی در مورد عظمت و شخصیت مولانا جلال الدین رومی و اهمیت اشعار وی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی می‌گوید:

«جلال الدین رومی یکی از پیشگامان و پایه گذاران تصوف اسلامی و در حقیقت یکی از ارکان

فرهنگ اسلامی است و آثار فکری، اسلامی و انسانی وی با تمامی ابعاد فلسفی، اجتماعی و فرهنگی، همچنان تا به امروز مورد نیاز بشراست». (۲۰۰۱: ۸-۶)

بدیع جمعه، منطق الطّیر عطار را دلیل برتری شعرای ایرانی در نظم قصّه شعری از قرن‌های متمادی می‌داند و این اثر را یکی از شاهکارهای عرفان اسلامی معرفی می‌کند و به خاطر پیوند عمیق و ریشه‌ای میان ادب و تصوّف عربی و فارسی، اهتمام به آثار شعرا و ادبای فارسی را ضروری دانسته و می‌گوید:

«هیچ پژوهشگر تصوّف اسلامی از کتاب منطق الطّیر بی نیاز نیست و من نیز با توجه به این عوامل، به ترجمه این منظومه جاودانه به زبان عربی پرداختم تا مورد استفاده خواننده عرب زبان قرار گیرد و همچنین روشنفکرها و تحصیلکرده‌های عرب زبان بفهمند که زبان و ادب فارسی مملو از گنج‌هایی است که باید به آن توجه خاصی شود؛ همانطور که به فکر اروپایی توجه می‌شود». (۲۰۰۶: ۶-۵)

منال الیمینی عبد العزیز نیز در ضرورت پرداختن به کتاب‌های تصوّف فارسی، با تأکید بر تذکرة الأولیای عطار، می‌گوید: «این کتاب از قدیمی‌ترین کتاب‌های فارسی در زمینه شرح حال و اقوال و کرامات شیوخ صوفی است. از طریق این کتاب می‌توان به علم تصوّف، اصول و مبادی و مفاهیم صوفیه و... پی برد. به همین خاطر بررسی و ترجمه این کتاب به زبان عربی ضروری است». (همانجا)

جایگاه جهانی و منطقه‌ای زبان و ادب فارسی زبان

جایگاه مهم و سهم زبان و ادبیات فارسی در ادبیات جهان قابل انکار نیست. آثار متعددی از سوی محققان غربی درباره تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات اروپا به نگارش در آمده است و بسیاری از ادبای جهان شیفته ادبیات فارسی بوده‌اند. گوته، شاعر آلمانی و دیوان مشهور شرقی غربی او شاهی بر این مدعا است. به هر روی نویسندگان عرب نیز از این موضوع غافل نشده‌اند و هر یک به زبانی کوشیده‌اند بر جایگاه جهانی و منطقه‌ای زبان و ادب فارسی اشاره کنند.

مرحوم إسعاد عبد الهادی، با تأکید بر اهمیت و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در میان ادبیات ملت‌های دیگر می‌گوید:

«زبان و ادب فارسی، زبان و ادبیاتی جهانی است که جایگاه بلندی میان ادبیات ملت‌هایی دارد که دارای تمدن عمیق تاریخی هستند. ادبیات فارسی سرشار از آثار شعری بوده که در گذر سال‌ها و

قرن‌های متمادی جاودان گشته است و هیچ یک از ادبیات ملت‌های شرقی به اندازه ادبیات فارسی مورد توجه پژوهشگران زبان‌های مختلف نبوده است. در حال حاضر شاهد ترجمه اشعار شاعران فارسی به زبان‌های مختلف و زنده دنیا هستیم» (۱۹۸۱: مقدمه)

وی زبان فارسی را برخوردار از فنون متعدّد و متنوعی می‌داند که باعث زیبایی شعر فارسی شده است و ادامه می‌دهد: «به همین خاطر هر پژوهشگر زبان و شعر فارسی می‌تواند بر حسب ذوق و علاقه خود، یک یا چند فن از فنون شعر فارسی را انتخاب کند» (همانجا)

السباعی محمد السباعی نیز در خصوص اهمیت زبان فارسی می‌گوید:

«زبان و ادبیات فارسی از نظر وسعت و فنون مختلف این زبان، به عنوان دومین زبان آسیا به شمار می‌آید و حتی به آن، زبان فرانسه مشرق زمین نیز گفته می‌شود» (۱۹۷۷: مقدمه)

وی همچنین زبان فارسی را دریای متلاطمی از ذخایر ادبیات توصیف می‌کند و می‌افزاید: «زبان فارسی همانند دریای متلاطمی است که با تمامی ذخایر ادبی خود که از نقاط مختلف جهان کسب کرده بود، وارد زبان و فرهنگ و تمدن اسلامی شد. ایرانیان صاحب زبان و بلاغت بودند و شاید بتوان گفت دیوان رسائل عربی از اول تا آخر آن به دست ایرانیان تأسیس شد» (پیشین: ۷)

مرحوم عبدالله خالدی و طلال مجذوب در خصوص اهمیت یادگیری و پژوهش زبان فارسی در کتاب مشهور خود با عنوان "مفتاح اللغة الفارسیه" چنین می‌گویند:

«زبان فارسی فاصله‌های میان جوامع انسانی را کاهش می‌دهد و حلقه‌های روابط برادری میان مسلمانان ایرانی و عرب را مستحکم تر می‌کند و همچنین به خاطر تأثیر و تأثر میان دو تمدن غنی و همکاری متقابل، یادگیری این زبان را به همگان پیشنهاد می‌کنیم» (۲۰۰۱: ۸)

مصر پیشگام در عرصه ترویج زبان فارسی

پژوهش‌های محققان عرب در زمینه زبان و ادب فارسی، دارای ابعاد گسترده‌ای است و شامل زبان و ادب فارسی قدیم و شاعران آن چون فردوسی، عطار، مولانا، سعدی، حافظ و... و هم شامل تألیفات جدید در عصر حاضر در زمینه زبان و ادبیات فارسی و شاعران و نویسندگان معاصر چون: سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، پروین اعتصامی و... است.

در میان کشورهای عربی، نویسندگان مصری پیشگام در عرصه پژوهش و تحقیق زبان فارسی و بخصوص ترجمه آثار شاعران ایرانی هستند و اگر نگاهی گذرا به تألیفات صورت گرفته

توسط مصری‌ها بیاندازیم، به این مهم پی خواهیم برد. مصری‌ها زودتر از سایر کشورهای عربی نهضت ادبی خود را در اوایل قرن بیستم آغاز کردند؛ در نتیجه، زودتر به پژوهش زبان‌های شرقی اهتمام ورزیدند و گروه‌های تدریس این زبان را در دانشگاه‌ها تأسیس کردند و راویان در ابتدا در شناساندن عرب از زبان و ادب فارسی و بزرگان این زبان استفاده می‌کردند. (۲۰۰۰: ۳۳)

میشر طرازی می‌گوید: «دستاوردهای علمی و ادبی دانشمندان مصری در قبال ایران و فرهنگ ایرانی، بزرگ و در خور توجه است. مصری‌ها با تمامی تمجید و تقدیر به ترجمه تألیفات مؤلفان ایرانی پرداختند و دانشمندان مصری که به شاهکارهای ادبی ایرانی اطلاع پیدا کردند، کم‌کم در نیمه دوم قرن بیستم، به مجهز کردن کتابخانه‌های عربی به مجموعه‌های زیادی از کتاب‌های ترجمه شده فارسی و پژوهش‌های علمی ادبی پرداختند و راه دانشمندان عرب را در ترجمه و تألیف هموار ساختند.» (۲۰۰۰: ۳۴)

همچنین دانشسراهای زبان‌های شرقی در دانشگاه قاهره مصر که به سال (۱۹۴۴م) تأسیس شد، نسبت به سایر کشورهای عربی پیشگام بود و بعد از دانشگاه‌های مصر، کشورهای عربی چون: سوریه، عراق، لبنان، مغرب، کویت و عربستان با افتتاح دانشسراهای زبان‌های شرقی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداختند. (۲۰۰۰: ۲۹)

کتاب‌های چاپ شده در چاپخانه بولاق در سال (۱۸۵۰م) نزدیک به ۵۰ مجلد به زبان‌های عربی، ترکی و فارسی است که این تعداد به سال (۱۸۵۳م) به بیش از ۳۰۰ عدد رسید. نخستین کتابی که در چاپخانه بولاق به زبان فارسی چاپ شد، «تحفه وهبی» در زمینه آموزش زبان فارسی بود. بعد از این کتاب، دیوان‌های شاعران فارسی چون: عطار، سعدی و حافظ در این چاپخانه به چاپ رسید. (پیشین: ۲۲)

انتشار روزنامه و مجلات فارسی زبان نیز در مصر سابقه‌ای طولانی دارد که به عنوان با سابقه‌ترین آنها می‌توان موارد زیر را نام برد:

روزنامه «حکمت» سال (۱۸۹۲م)، روزنامه «ثریا» سال (۱۸۹۸م)، روزنامه «پرورش» سال (۱۹۰۰م) و روزنامه «چهره نما» سال (۱۹۰۴م). (پیشین: ۲۵-۲۴)

از میان دانشمندان مصری که خدمات زیادی به فرهنگ و زبان و ادب ایرانی نمودند، می‌توان افراد زیر را نام برد: عبد الوهّاب عزام (شاهنامه پژوه)، یحیی خشاب، ابراهیم امین شواربی (حافظ پژوه)، محمد کفافی (مولوی پژوه)، حسین مجیب مصری، عبدالنعیم محمدحسین، طه ندا، محمد موسی هندوای (سعدی پژوه)، امین عبد المجید بدوی، اسعاد عبد الهادی قنديل،

صادق نشأت، فؤاد صیاد، حامد عبد القادر، احمد حافظ عوض، عبدالقادر شکری، محمد السباعی، احمد رامی (خیام پژوه)، احمد زکی ابو شادی، محمد غنیمی هلال، ابو نصر مبشر طرازی حسینی، ملکه علی ترکی، منال الیمنی عبد العزیز (عطار پژوه)، (امیری، کیومرث، ۱۳۸۰: ۱۲)

نتیجه گیری

ارتباط و پیوند میان زبان و ادب فارسی و عربی پیشینه‌ای طولانی دارد و بویژه در دوره اسلامی، این دو زبان به عنوان دو زبان مهم تمدن اسلامی همواره مورد توجه مسلمانان بوده‌اند.

آشنایی مجدد جهان عرب با زبان و ادب فارسی در دوره معاصر بر اثر تلاش‌ها و تحقیقات نویسندگان و محققان عرب تقریباً از اوایل قرن بیستم آغاز شد.

از دیدگاه‌ها و اظهارات نویسندگان و محققان آشنا به زبان و ادب فارسی در دهه‌های اخیر، چنین بر می‌آید که آنان به درستی به اهمیت زبان فارسی و ضرورت یادگیری آن از سوی عرب زبانان پی برده‌اند و جایگاه والای فرهنگ و ادب فارسی را دریافته‌اند.

اگر چه گروه‌های زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های کشورهای عربی نسبت به کشورهای غربی، جدید التاسیس است و عرب‌ها همچنان نسبت به کشورهای غربی در زمینه پژوهش زبان و ادب فارسی، فاصله زیادی دارند، اما فعالیت‌های پژوهشگران عرب در نوع خود، درخور توجه و اهمیت است.

به نظر می‌رسد که اهمیت زبان و ادب فارسی معاصر، در نزد ادباء عرب در حال نزدیک شدن به جایگاه واقعی خود است. ولی در واقع فعالیت‌های صورت گرفته در مقایسه با اهمیت موضوع و ضرورت آن، بسیار ناچیز است. امید است با تحوّل سیاسی و اجتماعی در جهان عرب و با گسترش گروه‌های زبان فارسی در این کشورها و با افزایش فارغ التحصیلان عرب زبان در رشته زبان فارسی در ایران و تربیت مترجمان و پژوهشگران عرب زبان، پژوهش در زبان و ادب فارسی به زبان عربی به جایگاه واقعی خود نزدیک شود.

فعالیت‌های ادبای عرب و در رأس آنها مصری‌ها پیرامون زبان فارسی، درخور توجه و شایسته تقدیر است.

منابع

- ١- الخالدی، عبد الله، الشافی فی اللغة الفارسیه و آدابها، دار النهضه العربیه، بیروت، الطبعة الثانيه ٢٠٠٣م.
- ٢- الخالدی، عبد الله و المجذوب، طلال، مفتاح اللغة الفارسیه، دارالحق، الطبعة الاولى، بیروت ٢٠٠١م.
- ٣- الدسوقی شتا، ابراهیم، نصوص فارسیه من التاريخ الاسلامی و الأدب الفارسی، دار الثقافه، مصر، ١٩٧٥م.
- ٤- السعید جمال الدین، حمد و حمدی السعید الخولی، احمد و السعید عبد المؤمن، محمد، دراسات و مختارات فارسیه، دار الرائد العربی للطباعه و النشر، چاپ اول سال ١٩٧٥م.
- ٥- الشواربی، ابراهیم، اغانی شیراز، تقدیم طه حسین، مجلس الأعلى للثقافة، قاهره ٢٠٠٥م.
- ٦- الصاوی، صلاح، دیوان عشق، نشر رجاء، تهران، ١٣٦٤ه.ش.
- ٧- المولوی، مراد، التریبه الاجتماعیه عند جلال الدین الرومی، دمشق، ٢٠٠١م دون ذکر دار النشر.
- ٨- الیمنی عبد العزیز، منال، تذکره الاولیاء، الهیئته المصریه العامه للكتاب، الطبعة الاولى مصر ٢٠٠٦م.
- ٩- امیری، کیومرث، فارسی در جهان - مصر، انتشارات دبیر خانه شورای گسترش زبان فارسی، تهران ١٣٨٠ه.ش.
- ١٠- بکار، یوسف، نحن و تراث فارس، المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه ایرانیه، دمشق، ٢٠٠٠م.
- ١١- خلیل مارون، جورج، الفارسیه و أشهر أعلام الأدب، المؤسسه الحدیثه للكتاب، الطبعة الاولى، بیروت ٢٠١٠م.
- ١٢- ربیع طرطور، شعبان، اللغة الفارسیه، دار الکتب العربیه، بیروت، ١٩٨٥م.
- ١٣- شوقی عبد الجواد رضوان، مدخل إلى دراسه الجملة الفارسیه، مجلد اول، أحمد، دار العلوم العربیه، بیروت لبنان، الطبعة الثانيه ١٩٩٠م.
- ١٤- عبد المجید محمد عطیه، خلیل، اللغة الفارسیه (قواعد و نصوص)، استاذ مساعد جامعه الأزهر، القاهره ١٩٩٥-١٩٩٦م.
- ١٥- عبد المعطی الصیاد، فؤاد، القواعد و النصوص الفارسیه، دار النهضه العربیه، بیروت ١٩٨٦م.
- ١٦- قندیل، اسعاد، فنون الشعر الفارسی، الطبعة الثانيه بیروت دار الاندلس ١٩٨١م.
- ١٧- محمد السباعی، السباعی، فی اللغة الفارسیه و آدابها، جامعه القاهره، الطبعة الرابعه ١٩٧٧م.
- ١٨- محمد جمعه، بدیع، قواعد اللغة الفارسیه، الطبعة الثالثه، دار النهضه العربیه بیروت ١٩٨٢م.
- ١٩- محمد جمعه، بدیع، منطق الطیر، الهیئته المصریه العامه للكتاب، الطبعة الرابعه قاهره ٢٠٠٦م.